



درس‌های ناگرفته از عاشورا

سعید رجحان*

سلام و درود ما بر آن روح پاک‌ی که منطق عاشورا را خلق فرمود و بر خاندان طاهربینش که چنین منطقی را برای بشریت بسط و گسترش داد تا به امروز که ما از آن بهره‌مند گردیم . یک هزار و چهارصد سال از برپایی قیام اباعبدالله الحسین (ع) می‌گذرد و جامعه شیعی با جان و دل از چراغ پرفروغ این نهضت استفاده برده و درس‌های بسیاری گرفته است . اینک پرسشی مطرح است که آیا درس‌های عاشورا تکرار است و یا درس‌های دیگری نیز می‌توان گرفت؟ نویسنده در این مقاله می‌کوشد تا با انتخاب نگرش‌های جدید نسبت به این حرکت عظیم ، اولاً به تاثیر نگرش‌ها در امکان دیدن تصاویر جدید از یک واقعیت توجه دهد تا از این طریق، امکان شناسایی یک روش مهم برای تولید علم و گزاره‌های علمی بویژه نسبت به موضوعات دینی در حوزه علوم انسانی را فراهم آورد و ثانیاً درس‌های جدیدی را که می‌توان از نهضت حسینی برای بهبود زندگی به تناسب نیاز جامعه بشری در مقطع کنونی زمان یعنی در ابتدای هزاره سوم گرفت - در حد بضاعت اندکش - شناسایی کند.

*. استادیار دانشگاه و مشاور مدیریت

شبیه سازی و مدل سازی

یکی از روش‌های اصلاح زندگی - فردی و اجتماعی - استفاده از تجربیات دیگران است که قرآن کریم با عنوان « عبرت » بارها بر استفاده از آن به ما تذکر داده است و بر همین اساس گزارش‌هایی از زندگی پیشینیان - اعم از افراد نیک صالح و یا افراد ناصالح - بیان می‌فرماید.

از نظر علمی، این عبرت آموزی در صورتی امکان‌پذیر می‌گردد که ما شرایط گذشته و تجربه شده را برای شرایط جدید « شبیه سازی » (**simulate**) کرده و از طریق همین شبیه سازی، به راه‌حل‌ها و راهکارهای تجربه شده در شرایط جدید دست یابیم. بر اساس همین روش، رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی رحمه الله علیه، در جریان مبارزه با نظام ظلم و طاغوت شاهنشاهی، به شبیه سازی آن دوران با شرایط حاکم بر قیام امام حسین (ع) اقدام فرمودند و جامعه شیعی آناه از خصوصیت نهضت امام حسین (ع) به خوبی درس‌های برگرفته از آن را در آن دوران مرور می‌کرد و نتیجه عینی آن را محقق می‌ساخت و سرانجام نیز طعم شیرین پیروزی انقلاب اسلامی را به فضل الهی چشید.

اما این روش با آنکه مزایای بسیاری دارد، ولی از ضعف بزرگی نیز برخوردار است و آن اینکه با تغییر شرایط جدید، امکان شبیه سازی نیز از بین می‌رود. بنابراین به عنوان مثال، امکان شبیه سازی از چنین نهضت با شکوهی برای شرایط ناظر به تحصیل صلح و یا اصلاح مسالمت آمیز وجود نخواهد داشت. یا همچنانکه امکان شبیه سازی آن برای ایجاد حرکت اجتماعی مفید است، ولی استفاده از آن برای دریافت چگونگی مدیریت فردی (**self management**) ممکن نیست. در نتیجه رهبران اجتماعی در این موارد، از تجارب دیگری سراغ می‌گیرند که با شرایط مورد نظر آنان مناسب باشد و مثلاً به شبیه سازی با شرایط صلح امام حسن (ع) اقدام می‌کنند. مهم‌ترین مزیت این روش، امکان فهم سریع و دقیق عمومی جامعه مخاطب است که می‌تواند با پذیرش اصل تشبیه، دقایق و ظرایف رفتاری خود را با انطباق با تجربه اصلی دریابد و تفهیم و تفهم بالایی را موجب گردد.

اینک ببینیم که اولاً این عمل شبیه سازی از چه معبری عبور می‌کند و ثانیاً چگونه می‌توان ضعف اساسی آن را که بدان اشاره کردم، جبران نمود.

عمل شبیه سازی دارای ۴ رکن اساسی است:

رکن اول: اصل که واقعیت (object) مورد نظر ناظر است.

رکن دوم: ناظر (observer) که واقعیت را مورد بررسی قرار می دهد و منظور (purpose) مشخص و تعریف شده ای دارد.

رکن سوم: نگرش یا منظری (view) که برای بررسی واقعیت انتخاب می شود.

رکن چهارم: ایده (subject) حاصل از بررسی واقعیت.

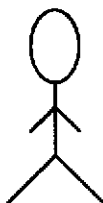
در میان این چهار رکن، رکن سوم از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در حصول رکن چهارم یعنی ایده نقش اساسی دارد؛ ولی اکثراً مورد غفلت و بی توجهی واقع می شود و در نتیجه در بسیاری از مباحثات علمی، مهم ترین عامل ایجاد اختلافات و حتی سوء تفاهمات است.

به نظر می رسد آنچه در ارتباط با بررسی نهضت عاشورا در دوران گذشته صورت گرفته، وحدت و عدم تغییر همین رکن سوم - یعنی منظر و نگرش به عاشورا - است که همواره بر اساس بارزترین خصیصه نهضت یعنی «ظلم ستیزی قهرآمیز در حد شهادت طلبی» بوده است. بنابراین بر اساس این نگرش، اگرچه در شرایط مشابه نیاز به ظلم ستیزی در حد ایشار جان و مال، کارایی لازم را به خوبی داشته است، در دیگر شرایط - همچون شرایط صلح - قابلیت ویژه خود را از دست می دهد و به همین خاطر در اکثر موارد، نفس مراسم سالگردهای عاشورا تاثیر شگرفی در رفتار و فرهنگ عزاداران ایجاد نمی کند و چه بسا به عنوان مثال در یک پرونده قضایی مطروحه در نظام قضایی کشور، شاکي و مشتکی عنه هر دو در یکی از مراسم عاشورا شرکت دارند و هر دو در یک زمان و با یک ندای بلند می خوانند که: «انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم» اما هیچ کدام نمی توانند پیام «سلم و صلح» نهضت عاشورا را در همین موضوع پرونده قضایی خود بشنوند.

و ظاهراً به همین دلیل آسیب شناسانه است - اگر خوشبینانه فکر کنیم - که در دوره اصلاحات که نقطه عطفی در حرکت جامعه اسلامی ما بود، نهضت عاشورا مورد استناد متولیان حرکت اصلاح طلبی قرار نگرفت.

اینک ببینیم چگونه می توان این ضعف اساسی را که در نهاد این روش یعنی شبیه سازی نهفته است، برطرف کرد.

به نظر می‌رسد بهترین روش در این رابطه، استفاده از روش «الگو و مدل سازی» (modeling) است که حد واسط اصل و ایده می‌باشد. برای دریافت این مطلب، لحظه‌ای به این تصویر توجه کنید:



با دیدن این تصویر، چه مفهومی به ذهن شما متبادر می‌شود؟ مسلماً پاسخ شما انسان است که قابلیت نمایانگری بسیار وسیعی دارد و همه مصادیق آن را از کوچک و بزرگ، زن و مرد، عالم و جاهل و ... دارد. به چنین تصویری از انسان، مدل می‌گوییم. به نظر می‌رسد مقصود آیه قرآن که می‌فرماید: «و لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب، ۲۱) مبتنی بر تحصیل مدل و الگوی مناسب از پیامبر (ص) محقق می‌شود تا بر اساس آن دریاپییم که حضرت رسول اکرم (ص) نه تنها به عنوان پیامبر، بلکه به عنوان یک پدر، یک همسر، یک جهادگر، یک حاکم، یک مدیر، یک رهبر، یک شهروند، یک مکلف (مسئول)، یک مخلوق و بنده، یک آگاه، یک انتخابگر و و از همه مهم‌تر به عنوان یک انسان (انسان بشر مثلکم)، چگونه می‌اندیشند، تعامل می‌کنند، برنامه ریزی می‌کنند، شکست می‌خورند و در پی آن چه می‌کنند و نیز چه نمی‌کنند تا موفق شوند.

بر این اساس، مدل‌ها از عنصر «جامعیت» (total) و لازمه آن یعنی «جاودانگی» (eternity) برخوردار می‌شوند و دقیقاً در دوره رشد جامعه و ارتقای فرهنگی متناسب با آن مورد استفاده کامل قرار می‌گیرند و گام بعدی که عمل شبیه سازی است، توسط همه افراد صورت می‌پذیرد و مهم‌ترین گام در تحقق فرایند رهبری جامعه (در قبال مدیریت جامعه که از عامل دستورالعمل بهره می‌گیرد)، برداشته می‌شود.

تفاوت شبیه سازی و تمثیل منطقی

شاید ذهن مخاطبان از این بحث، متوجه یک بحث قدیمی در منطق به نام «تمثیل» شود و این‌گونه برداشت گردد که در این بحث، صرفاً یک تغییر در گویش زبانی صورت گرفته و

از عنوان جدیدی برای همان بحث تاریخی سود جستیم؛ بویژه آنکه تمثیل منطقی در علم اصول که متدولوژی تحقیق در احکام الهی را تبیین می‌کند، با عنوان قیاس اصولی شناخته می‌شود. بنابراین اینک برای تشحیذ ذهن این دسته از مخاطبان، توضیح می‌دهیم که اولاً مسئله بطلان قیاس اصولی از نگاه امامیه مربوط به گزاره‌های اعتباری است و در بحث مورد نظر ما، شبیه سازی نسبت به واقعیت که موضوع گزاره‌های کشفی است، صورت می‌پذیرد. ثانیاً در تمثیل منطقی صرفاً شباهت بین دو چیز کشف می‌شود و لذا کاشف به مثابه هر کشف دیگری، نقشی انفعالی دارد؛ اما در فرآیند شبیه سازی، محقق نقشی فعال یافته و «مشابه» را ایجاد می‌کند و همین خصیصه است که در فرآیند شبیه سازی، ویژگی «خلاقیت» را قابل شناسایی می‌کند و بر اساس همین ویژگی خلاقیت است که نتیجه و محصول، به عنوان «اثر هنری» قابل معرفی است و از همین جا می‌توان به شاخصی برای تشخیص استعاره و تمثیل منطقی دست یافت و صنعت استعاره را در ساختار شعر، رمان، و فیلم سازی محور اصلی «اثر هنری» دانست. به نظر می‌رسد که «مثل‌های قرآنی» نیز با تعریفی که ارائه کردم، از نوع استعاره و شبیه سازی است.

بر این اساس، بدون ویژگی «خلاقیت» در شبیه سازی، صرفاً یک عمل تقلیدی صورت می‌گیرد. بنابراین زمانی که باید بر اساس قواعد هندسی، دو شکل مشابه را شناسایی کنیم یا موقعی که باید شکل مشابه را ایجاد کنیم همچون ماکت سازی از واقعیت موجود، یک اثر هنری به دست نمی‌آوریم. به نظر می‌رسد بر اساس همین توضیح است که سسکاک، ادیب مسلم ادبیات عرب، مجاز را از نوع تصرف در مصداق عقلی، معنای اصلی می‌شناسد و نه استعمال در معنای غیر حقیقی. و همین امر را (که امر بدیع است)، عامل لطافت هنری این دسته از استعارات معرفی می‌کند.

با توجه به آنچه در ارتباط با عامل قوت در فرآیند مدل سازی بیان داشتیم، اگر بتوانیم الگوی رفتاری ائمه معصومین (ع) که هر یک منشا خلق پدیده‌هایی بسیار استثنایی در بستر جریان هدایت جامعه بشری هستند به دست آوریم، گامی اساسی برای دریافت درس‌های جدید از چنین گذشته گرانبهایی برداشته‌ایم. این امر اگر با توجه به نقش امام در بصری نمودن (visualize) رفتار عالم هوشمند هستی صورت پذیرد، آثار شگرف علمی و فرهنگی خود را تجلی خواهد بخشید.

اینک به برخی از این موارد اشاره می‌کنم :

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| - مدل ازدواج | - مدل اسارت |
| - مدل تهذیب | - مدل ایثار |
| - مدل عبودیت | - مدل خشم |
| - مدل امانتداری | - مدل درایت و تدبیر |
| - مدل بعثت و رسالت | - مدل قضاوت |
| - مدل هجرت | - مدل ولایت |
| - مدل مدینه النبی و مردم سالاری دینی | - مدل اجابت |
| - مدل فرماندهی جنگی | - مدل مشورت و شورا |
| - مدل مدیریت بحران | - مدل انفاق |
| - مدل تبلیغ | - مدل آزادگی و جوانمردی |
| - مدل مدیریت و رهبری (امامت) | - مدل مرکز علمی |
| - مدل حکومت | - مدل تدریس |
| - مدل تعامل با مردم | - مدل تحقیق |
| - مدل مصلحت اندیشی | - مدل شنیدن |
| - مدل صبر | - مدل دیدن |
| - مدل جهاد | - مدل نظر دادن |
| - مدل قیام | - مدل انتخابگری |
| - مدل برادری | - مدل تربیت |
| - مدل گریستن و عزاداری | - مدل غیبت و حضور |
| - مدل انتظار | - مدل اطاعت و فرمانبری از فرمانده |
| - مدل پرجمداری | - مدل دفاع |
| - مدل اعتماد به نفس ، عزت نفس ، | - مدل برادری و اخوت |
| - رجزخوانی و ابراز وجود | - مدل حمله، عقب‌نشینی |
| - مدل گردآوری امکانات | - مدل بسیج نیرو و صرف امکانات |
| - مدل آینده بینی و آینده سازی | - مدل اتخاذ استراتژی |
| - مدل تحصیل اطمینان خاطر و رضایت | - و ... |

۲. چگونه مدل سازی کنیم و نتیجه این مدل سازی در نهضت عاشورا چیست ؟

مهم ترین عامل در فرآیند مدل سازی به عنوان فرایند واسطه‌ای بین واقعیت و شبیه سازی، حذف رکن سوم در فرآیند شبیه سازی است. به عبارت دیگر ناظر در فرایند مدل سازی باید بتواند از منظر بخشی که نتیجه منطقی مقصود (purpose) مشخص و معین او است، رها شود و از این طریق به نگاه «جامع» (total) دست یابد؛ اما این امر ممکن نیست، مگر اینکه نگاه جامع را از طریق شناخت سیستم اصلی به دست آوریم و وقایع درون سیستم را با نگاه جزء نگر مورد بررسی قرار ندهیم. در این صورت باید اکسیژن را به عنوان جزء آب، با حفظ روابط آن با نیدروژن شناسایی کرد، نه به عنوان یک عنصر بسیط. در این صورت مدل نهضت عاشورا باید با شناخت روابط آن با دیگر اجزای سیستم هوشمند هستی مورد شناسایی قرار گیرد؛ اگر چنین شود، ما با یک «جریان» مواجه می‌شویم و نه صرفاً یک «پدیده»! در این صورت، توجه به چنین نهضتی صرفاً از نظر زمانی در مدت یک دهه یا حتی یک ماه و یا از نظر موضوعی با عنوان ظلم ستیزی قهرآمیز تا مرز شهادت طلبی و یا از نظر گروهی با عنوان حرکت خانوادگی و ... صورت نخواهد گرفت و این از آثار دستبازی به همان «مدل» مورد نظر در این بحث است. بر این اساس، مدل سازی باید بر اساس شناخت اصلی ترین سیستم و سیستم‌های تابعه صورت پذیرد و همواره از تجزیه این سیستم در هر مقطعی خودداری کرد. پس مدل سازی عاشورا و دیگر مدل‌های پیشنهادی را باید در سیستم اصلی «دین اسلام» و نیز حفظ روابط زیرسیستم‌ها تا کوچک‌ترین جزء سیستم مورد توجه قرار داد. در این صورت است که می‌توان ادعا کرد که به محور یک سیستم اصلی یا فرعی با عنوان «غایت و هدف» آن سیستم دست یافته‌ایم و همین محور است که بدنه اصلی مدل سازی را تشکیل می‌دهد. اینک نتیجه اعمال تحقیقی با ویژگی‌های مذکور در زمینه مدل سازی نهضت عاشورا را تقدیم می‌کنم و به منظور پرهیز از اطاله کلام و دور شدن از عنوان این مقاله از ارائه جزئیات این تحقیق خودداری و صرفاً به تبیین این مدل در حد مقدور می‌پردازم.

آنچه به عنوان نتیجه این تحقیقات با عنوان «مدل پویا و منعطف نهضت امام حسین» می‌توان ارائه داد عبارت است از:

« در صورت تغایر وضعیت موجود با وضعیت مطلوب با شاخص رشد جامع و پایدار ، عدم پذیرش وضعیت موجود و حرکت جامع برای تحقق وضعیت مطلوب با شاخص بالاترین بهره وری ممکن ، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است . »

اینک ارکان پنج گانه این مدل را مورد شناسایی قرار می‌دهم:

الف. تغایر وضعیت موجود و وضعیت مطلوب

در چنین وضعیتی ، روحیه اکثر افراد جامعه مبتنی بر شخصیت عکس‌العملی (reactive) ، به تن دادن به وضعیت موجود و ابراز عدم رضایت با گویش « غرغر زدن » و انتظار مدرسائی از همه چیز و همه کس است، بدون اینکه آمادگی پرداخت کوچک‌ترین هزینه را داشته باشند. به این نمونه قرآنی توجه کنید:

«و اذ قال موسى لقومه يا قوم اذكروا نعمه الله عليكم . اذ جعل فيكم انبياء و جعلكم ملوكا و اتاكم ما لم يوت احدا من العالمين . يا قوم ادخلوا الارض المقدسه التي كتب الله لكم و لا تتردوا على اديباركم فتقلبوا خاسرين . قالوا يا موسى . ان فيها قوما جبارين و انا لن ندخلها حتى يخرجوا منها ؛ فان يخرجوا منها فانا داخلون . قال رلان من الذين يخافون انعم الله عليهما ، ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبونو على الله فتوكلوا ان كنتم مومنين . قالوا يا موسى لنا لن ندخلها ايدا ما داموا فيها ؛ فاذهب انت و ربك فقاتلا انا ههنا قاعدون» (مائده / ۲۰ تا ۲۴)

ب. حیثیت تغایر باید بر اساس شاخص « رشد جامع و پایدار » شناسایی شود

یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت، دستیابی به شاخص‌هایی است که بر اساس آنها بتوانیم تشخیص صحیح دهیم . شاید در موارد بی‌شماری ، به نظر برسد که وضعیت موجود ، وضعیت نامطلوبی است؛ ولی آیا لزوما چنین است:

« ... و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم ... » (بقره / ۲۱۶)

بنابراین صرف تغایر بین وضعیت موجود با وضعیت مطلوب، نمی‌تواند عاملی تعیین کننده برای لزوم تغییر باشد؛ اما اگر موقعیت و شرایط موجود، وضعیت رشد جامع و پایدار جامعه را مختل ساخته باشد، در این صورت « حیات جامعه » در شرایط نابودی قرار می‌گیرد:

« یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم . » (انفال / ۲۴)

ج. در برنامه‌ریزی برای تغییر، نیازمند طراحی « حرکت جامع و مستمر » هستیم

بر اساس آنچه در ارتباط با رکن سابق توضیح دادیم، « حیات » به عنوان عنصری اساسی در سیستم هوشمند عالم هستی در صورتی پدید می‌آید و مستقر می‌ماند که حرکتی « جامع » صورت گرفته باشد. لازمه تحقق چنین حرکتی، دستیابی به تعادل است که خود معلول قرار گرفتن هر امری در جای خود به معنای « عدالت » و بقاء و استمرار آن به معنای « امنیت » است. بنابراین در هنگام برنامه‌ریزی باید عوامل جامعیت و استمرار حرکت را شناسایی و هزینه‌های لازم برای تحقق آن را فراهم کرد.

د. شاخص این حرکت ، بالاترین (optimum) بهره‌وری (productivity) ممکن است

در طول اجرای برنامه طراحی شده ، باید دائما صحت حرکت مورد ارزیابی قرار گیرد و با توجه به شرایط متغیر بیرونی ، همواره نیازمند مصلحت‌سنجی هستیم. این مصلحت‌سنجی، مهم‌ترین عامل پیشرفت در حین حرکت است؛ زیرا دائما باید با تمامی توان ، همه امور را تحت نظر داشته باشیم و با اعمال یک « مدیریت اقتضایی »، ابتدا تصمیم صحیح شناسایی و سپس اتخاذ شود و همین شناسایی تصمیم صحیح در محیط متغیر است که ما را به شاخص نیازمند می‌کند. اینک اگر معنای عدالت را (در برابر عدالت ایستا و غیر منعطف) پویا و منعطف بدانیم ، نیازمند شاخص پویا و منعطف خواهیم بود که از آن به « بالاترین میزان بهره‌وری ممکن » تعبیر کردیم . واضح است که در این موارد، نفس خسارات مهم نیست؛ بلکه

پایین ترین سطح خسارات مهم است؛ همچنان که نفس دستاوردها مهم نیست، بالاترین سطح دستاوردها مهم است.

بنابراین چنین شاخصی، ما را به نحو طبیعی وارد حرکتی منعطف و پویا می‌کند. پس ممکن است بالاترین سطح بهره‌وری ممکن در مقطعی از حرکت نیازمند «صلح» باشد و در مقطعی نیازمند «جنگ». پس لاجرم باید چنین حرکتی را به عنوان یک جریان مورد شناسایی قرار دهیم و نه پدیده؛ امر بسیار مهمی که در بیشتر تحقیقات محققان در مورد حرکت اهل بیت (ع)، خصوصاً سه حرکت پیاپی ایشان، یعنی حکومت علوی، صلح حسنی و عاشورای حسینی و تبلیغ و صبر سجدی و تحقیق باقری و تعلیم صادقی و ... و نهایتاً غیبت الهیسه امام عصر (عج) مغفول مانده است.

۵. چنین موقعیتی برای هر فردی و در هر شرایطی مسئولیت آفرین و لذا چنین حرکتی، ضروری و اجتناب ناپذیر است. عدم اعمال چنین مسئولیتی، مهم‌ترین شاخص دنیا مداری و رویگردانی از آخرت گرایی است.

تشخیص ضرورت از غیر ضرورت، الزام یا استحسان، مسئولیت یا تخیر، بدون شناسایی و توجه به ارکان پیشگفتار، هرگز ممکن نیست و در صورت تشخیص ضرورت و مسئولیت، هیچ عذری برای قعود و عدم قیام یا رویکرد پویا و منعطف، پذیرفته نیست. در چنین شرایطی، مهم‌ترین آسیب و خطر ذهنی، تمسک به دلیل به ظاهر موجه «عدم احتمال دستیابی به موفقیت یا عدم احتمال تأثیر» می‌باشد که متأسفانه به طور دقیق، تحلیل این مستمسک در تحقیقات سالیان محققان سلف، رمزگشایی نشده است و این درحالی است که دهها آیات قرآنی به صراحت می‌توانسته راهنمای ما باشد؛ بویژه آیاتی که در لسان قصص الانبیاء، بارها و بارها به فرآیند امداد رسانی الهی تذکر داده است و اینک تنها به معدودی از هزار اشاره می‌کنم:

- «ان تتصروا لله ینصرکم و ینتھ اقدامکم». (محمد / ۷)

- «ان تتقوا لله ینجعل لکم فرقاناً» (انفال / ۲۹)

- «و من یتق الله ینجعل له مخرجاً» (طلای / ۲)

- «بل ان تصبروا و تتقوا و یاتوکم من فورهم هذا یمدکم ریکم بخمسه آلاف من الملائکه»

(آل عمران / ۱۲۵)

- «وما رمیت اذ رمیت ؛ و لکن الله رمی» (انفال / ۱۷)

- «امن یجیب المظطر اذا دعاه و یکشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض» (نمل / ۶۲)

و چه زیبا منحص این بحث را مولوی به شعر فرموده است :

گر چه نیست رخنه در عالم پدید
خیره یوسف‌وار باید دوید !
اینک نتایج به کارگیری این مدل را در زندگی خویش تقدیم می‌کنیم:

الف. مدیریت کلی مراسم عاشورا

۱. بسیاری از شرکت کنندگان در مراسم عاشورا، با مواردی روبه‌رو می‌شوند که به هر دلیل آن را در شرایط فعلی مناسب نمی‌بینند و نقدهای مختلفی بر چگونگی برگزاری مراسم عاشورا ارائه می‌دهند و جالب است که چنین افرادی از قشرها و جایگاه‌های مختلفی هستند: سخنرانان مذهبی، مداحان، مدیران مجالس، عزاداران، شرکت کنندگان در مجالس عزاداری و حتی تماشاچیان .

بنابراین بر اساس مدل مذکور، رکن اول آن که عبارت است از تغایر وضعیت موجود و وضعیت مطلوب، محقق است؛ اما آیا گام‌های بعدی این مدل برداشته شده است؟ به نظر می‌رسد که متأسفانه پاسخ منفی است؛ زیرا: درباره رکن اول: هیچ فرد یا نهاد صاحب‌انگیزه و اراده‌ای بر اساس یک فعالیت تحقیقی مناسب، نتوانسته وضعیت مطلوب مشخص و معینی برای این مراسم در شرایط فعلی جامعه ملی، جامعه اسلامی یا جامعه جهانی تدوین کند. درباره رکن دوم: شاخص رشد پایدار، در زمینه «جامعه ملی - اسلامی ایران» و جامعه عزاداران حسینی (ع) بر اساس معیارهای علمی و عملی به کار گرفته نشده است تا بر اساس به کارگیری شاخص نظارت و تحویل آمار و ارقام، وخامت اوضاع و میزان تغایر وضعیت مطلوب و موجود، ارزیابی شود.

درباره رکن سوم: حکومت اسلامی، مدیریت جامع و برنامه‌ریزی شده مدونی برای رفع این تغایر و تحقق وضعیت مطلوب اعمال نمی‌کند. آیا برنامه‌ریزی‌های موجود را می‌توان اولاً «جامع» دانست و ثانیاً در جهت تحقق وضعیت مطلوب تعریف شده و مدون دانست؟

درباره رکن چهارم : واضح است که به کارگیری شاخص بالاترین میزان بهره‌وری حرکت برنامه‌ریزی شده، فرع بر اصل حرکت برنامه‌ریزی شده است که متاسفانه در پاراگراف قبلی، منتفی ارزیابی می‌شود.

درباره رکن پنجم : متاسفانه اساس ضرورت حرکت برنامه‌ریزی شده اصلاح مراسم عاشورا برای آحاد جامعه و نیز مسئولان نظام درک نشده است؛ بنابراین مسئولیتی که باید حسینی‌وار برای احیای تفکر والای نهضت عاشورا در شرایط مختلف زمانی و مکانی پذیرفته شود، مفقود است .

بنابراین بر اساس مدل ارائه شده و ارکان پنج‌گانه آن، می‌توان گفت که به استناد آیات سوره مائده که بدان اشارت کردیم، همگان در شرایط قوم موسی قرار گرفته و منتظریم تا امام زمان (عج) به همراه خداوند اقداماتی اساسی برای اصلاح انجام دهد:

«فأذهب انت و ربك فقاتلا انا هيئنا قاعدون!»

ب. به کارگیری مدل نهضت عاشورا در مدیریت شخصی (self management) عزاداران عاشورایی

۱. دوست عاشورایی بسیار خوبت را می‌بینی، پریشان احوال؛ زیرا با مشکل اقتصادی روبه‌رو شده و عنوان می‌کند که فردا صبح، چک چند میلیونی‌اش برگشت خواهد خورد؛ و از ترس آبرو، زندان و ... خود را ناچار به نزول می‌بیند و استناد می‌کند که : «الضرورات ، تبیح المحذورات» اما وقتی برایش تنها با یک مثال تبیین می‌کنی که اگر امام حسین (ع) در موقعیت تو قرار می‌گرفت، آیا نزول می‌کرد یا زندان را با آغوش باز می‌پذیرفت و هرگز تن به ننگ نزول نمی‌داند، تازه اولین رگه‌های درک عاشورایی‌اش تحصیل می‌شود؛ گویی حضور در این همه مراسم عاشورا نتوانسته چنین پیام مهمی را برایش تبیین سازد . ولی متاسفانه هنوز این درک ابتدایی، قوام واقعی نیافته که توجیه دیگری گریبانگیرش می‌شود: ما که نمی‌توانیم مثل امام حسین باشیم . ما کجا و امام حسین کجا !

۲. در راهرو یکی از ادارات، به دوست شناخته شده‌ای برمی‌خوری که نالان از پیچ و خم‌های اداری، به خود می‌پیچد و از تو می‌پرسد: اگر با دادن رشوه بتوان کار گره خورده را

حل کرد، چه باید کرد؟ و تو متعجبانه به دوست عاشورایی‌ات نگاه می‌کنی که تو دیگر چرا؟ پس پیام این همه حضور برایت چه بوده است؟ ولی متاسفانه او نیز بین عاشورایی بودن و رشوه ندادن در شرایط پیچیده و دشوار هیچ ربطی نمی‌بیند و وقتی برایش توضیح می‌دهی که در این موارد، خوشبینانه‌ترین حکمی که می‌توان فرض کرد، حکم جواز است و نه وجوب؛ پس چرا تو از آن مفهوم «وجوب» گرفته‌ای؟ مگر نمی‌دانی که برای بالا رفتن از پلکان کمال و تعالی باید از بسیاری از مباحات گذر کرد و اینک نوبت تو است که آن را طی کنی و این همان درسی است که باید از عاشورای امام حسین بگیری؛ همانگونه که رهبرت در نهضت عاشورایی‌اش علیه نظام طاغوت چنین درسی را گرفت و سکوت را شکست و پذیرای تمامی عواقب سختش شد؛ در این هنگام که تازه جرقه‌های فهم عاشورایی‌اش تحریک شده و بدرغم سال‌های حضور در چنین مراسمی، چنین عینی و ملموس درسی را که می‌باید می‌گرفت، نگرفته است؛ متاسفانه یکباره توجیه‌پذیر می‌شود که یک شبه نمی‌توان حسینی شد؛ مگر اینکه سال‌ها زحمت بکشی و ... و باز هم تو می‌مانی و درس‌های ناگرفته از عاشورای حسینی.

۱۵

۳. صبح شنبه است و تو در سر کار هستی و همکار سازمانی‌ات وارد می‌شود؛ همو که بارها با هم در مجلسی از مجالس امام حسین (ع) قرار حضور گذاشته‌ای. او را خوب می‌شناسی و می‌دانی که او اهل هیچ خطای عمدی نیست؛ اما امروز بسیار ناراحت و درهم است. سعی می‌کنی او را به حرف آوری و یکدفعه بغضش می‌ترکد که صاحب خانه جوابش کرده و او برای رهن خانه‌ای جدید، نیازمند پول است. هیچ راهی هم باقی نمانده و آخرین مهلت، سه‌شنبه همین هفته است. تنها راه باقی مانده ... سکوت معناداری می‌کند و تو می‌فهمی که او هم معنای «امن یجیب المضطر» را نفهمیده و عاشورا برای او نیز صرفاً یک حماسه و یک حرکت قهرآمیز علیه ظلم و بیداد و استکبار جهانی است ... و در چنین موقعیتی، پول رهن خانه، هر چه باشد، لااقل استکبار جهانی نیست و حرکت قهرآمیز عاشورایی نمی‌طلبد ...

۴. نمونه‌های بسیاری از جوانان و رابطه‌های نه چندان مشروع را می‌بینی که اصلاً در مخیله آنها - بدرغم اعتقاد به عاشورا - چنین درس‌هایی وارد نمی‌شود؛ زیرا از نگاه آنان، تخصصاً خارج از موضوعند و لذا اگر در مصداق یوسف قرار گیرند، می‌پندارند: «توفیق اجباری!»

۵. دانش‌آموزان و دانشجویان عزیز هم که اگر احیانا از پاسخ سوال امتحانی درمانده شوند - بویژه اگر امتحان تجدیدی یا از موارد مشروطی هم باشد - با آنکه از نظر اعتقاد به حقایقت عاشورا کم و کاستی ندارند، اما هرگز عقلانی نمی‌دانند الگویی از حماسه کربلا، آن هم در جلسه امتحان ترسیم کنند و احتمال دهند که در چنین موقعیتی نیز می‌توانند در انتظار امداد الاهی از نوع «خمسه آلاف من الملائکه» و از نوع «الهام» قرار گیرند. اگر نگوییم خدای ناکرده، مصداق امداد الاهی را در مصداق قلبی می‌جویند که کسی نفهمد و قضیه به خیر و خوبی تمام شود!

۶. و دروغ‌های مصلحتی عاشورائیان که دیگر لا تحد و لاتحصی است؛ ولی از نگاه آنان، اصلا دخلی به سلحشوری و غیرت و جوانمردی و آزادگی و مروت و فتوت عاشورایی ندارد! و عجیب‌تر آنکه اصل مصلحت راستگویی اساسا رخت می‌بندد؛ اما ارتباطی با درس‌های عاشورا نمی‌یابد!

۷. پرونده‌های قضایی که عاشورائیان علیه یکدیگر در محاکم بازگشایی می‌کنند و اتفاقا در طول جریان دادرسی چند ساله، بارها یکدیگر را در مراسم عزاداری امام حسین (ع) و زیارت عاشورا ملاقات می‌کنند و با سوز و گداز و گریه و آه می‌خوانند: «انی سلم لمن سالمکم» ولی هرگز تصور نمی‌کنند که کاملا بر ضد آن رفتار می‌کنند ... و ده‌ها مورد دیگر ...

و ما می‌مانیم و عاشورایی دیگر!

با امید اینکه گامی کوچک در تحول روش تحقیق «دین پژوهی» برداشته و مقبول درگاه حضرت حق قرار گیرد.